



۲۰۱۸/۰۶/۲۴



میر عنایت الله آشفته

خون رزمندگان افغان، بنام اجیران صلیبی و دهشت افغان تروریست در اختیار بازیگران سیاست!



پس از هیاهویی آتش بس سه روزه توسط رئیس جمهور غنی متهم به قبیله گرایی؟ و رئیس اجراییه متهم به کار شکنی دو داکتر به جان هم انداخته شده و طرف اعتماد غرب با طالبان، مخالفان صلح در داخل دولت دو منزله افتراق ملی! بخود گرفتار و مخالفان خارج از دولت «دوره گرد های ائتلاف ساز آزمون شده، بی برنامه و خلع شده های قدرت» دست و پاچه بوده، دلان داخلی، کشورهای ذی نفوذ و مصروف در جنگ نیابتی و به صلح مبهم، مجهول، پیچیده و مشروط به تلاش حفظ منافع اضلاع متحده امریکا+ ناتو در افغانستان بازار را؛ گرم نموده اند. هر منصف آگاه میدانند که، با وصف تبلیغات و حملات بی پیشینه قوای هوایی ائتلاف ناتو+ امریکا وضع جنگی به نفع دولت، تغییر مثبت نداشته، برعکس حملات تهاجمی طالبان؛ تلفات بیشتر را به مقایسه گذشته متوجه سربازان و قوای امنیتی دولت نموده است.

بناءً به باور آگاهان، اعلان طرح پیشنهاد صلح بدون قید و شرط و آتش بس یکجانبه، از جانب رئیس جمهور، ابتکار شورای عالی صلح یا شورای علما، بدون موافقت قوای ائتلاف؛ نا ممکن تلقی می گردد.

آنچه را نگارنده این سطور غیرجانبدارانه بیان میدارد، ترس از تکرار حوادث خون بار دوران جهاد، اختلافات عمیق رهبران جهاد، عدم صداقت و پا بندی به آرمانهای جهاد، ازدواج سیاسی بخش اعظم رهبری خلق – پرچم با تعدادی از تنظیم های جهادی در پیوند های قومی، سمتی، زبانی که باعث استعفای داکتر نجیب الله، ناکام ساختن پلان صلح ملل متحد، مسبب جنگ های تنظیمی، تخریب شهر و تلفات ۷۰۰۰۰ شهریان کابل گردید را، همه به چشم سر مشاهده نمودیم، اسناد، شواهد، تصاویر و فیلم های مستند وجود دارد.

حوادث خون بار و جنایات هولناک در حالی صورت گرفته است که: تحریک طالبان هنوز ظهور نکرده بود. از ایجاد دولت ساخته شده بُن تا این دم، در اختلافات سلیقه‌ی داخل نظام، بی‌عدالتی، غارتگری، غصب دارایی‌های عامه، قاچاق معادن، اختلاس، فساد، سرقت میلیارد‌ها دالر، قانون شکنی و . . . ناکامی دولت خدا داد آقای کرزی و دولت دو منزله افتراق ملی، طالبان مسؤول نبوده و نیستند؛ بلکه دلیل اصلی حالت ناهنجار فوق قانون شکنی و اختلافات ذات‌البینی حاکمان میباشد.

بلی طالبان، مانند مجاهدین وابسته به همسایه‌ها، مسبب تخریب و حریق مکاتب، شفاخانه، بل و پل چک، پایه‌های برق و . . . میباشد؛ اما در اختلافات رهبری دولت و رقابت حاکمان، بصورت قطع مسؤول نیستند چنانچه مجاهدین مسؤول اختلافات قاتلان بین رهبران خلقی و پرچمی وابسته به شوری نبودند.

افغانستان دردمند امروز حاصل مبارزات ۴۰ ساله نیروهای چپ و راست سیاسی کشور می‌باشد. حال از اثر خود خواهی، جا طلبی‌های سیاسیون فوق، چه ضمانت وجود دارد که نیروهای داخلی در تبنانی با خارجی، جنایات هولناک و به مراتب خطرناک‌تر از زمان سقوط نجیب‌الله را تکرار نمایند؟

بناء به سیاسیون و سیاسی ساخته شده‌های کشور، منحصراً یک تبعه خیر خواه وطن دوست و متعهد به خاک و ملت پیشنهاد می‌نمایم که برای حفظ حیات خویش، حفظ سرمایه‌های باد آورده و هنگفت خویش، حفظ حیات فرزندان جوان خویش، ثبات نیم بند کشور، وحدت مضروب ملت عمداً متفرق ساخته شده، حفظ و بقا کشور محبوب ما را فدای هوا و هوس‌های خویش نساخته، حقایق اوضاع جاری کشور و منطقه را مسؤولانه رعایت نمایید.

اگر، ائتلاف نظامی ناتو و دولت واقعاً برای صلح و ثبات سیاسی، اقتصادی و راه‌های ترانزیتی افغانستان علاقه‌مند باشند، نیروهای طالب، بعلاوه مبارزه علیه داعش؟! میتوانند در تأمین امنیت این پروژه‌های کلان بسیار مؤثر واقع شود بناء مذاکره مستقیم امریکا با طالبان افغان؛ برای سیاسیون وطن دوست یک امر بسیار عادی تلقی شده میتواند. طالبان افغان نیز باید بدانند که اگر تبنانی بین داعش؟! و همسایه‌ها یا حلقات خاص در داخل کشور وجود داشته باشد، حق تغییر تاکتیک‌ها برای قدرت‌های خورد و بزرگ جهت حفظ منافع و مقاصدشان محفوظ خواهد بود.

همان‌گونه که در اثر انگیزه‌های داخلی و محاسبات نیروهای خارجی، شیرازه کشور ما، چهل سال قبل عمداً از هم پاشیده شد، پس از تجربه و آزمایشات خون بار چهل سال اخیر، نتایج و شواهدی برای ختم جنگ به مشاهده می‌رسد؛ مشروط بر اینکه سیاسیون افغان به شمول طالبان افغان، از سقوط نافرجام حکومت نجیب‌الله؛ درس عبرت گرفته باشند.

از آنجاییکه انسان‌های عاقل و هدفمند از تجارب مثبت و منفی‌شان می‌آموزند، ایجاب مینماید که با یک اعتراف صادقانه، دور اندیشانه جهت تغییر وضع فلاکت‌بار ملت، مخلصانه و وحدت طلبانه برای برگشت مجدد فضای دوستی، برادری، عزت و آبروی از دست رفته کشور و ملت؛ دست دوستی و اخوت را دراز نموده؛ زمینه تفاهم ملی را برای نسل‌های جوان و کادر‌های سیاسی داخل دولت، خارج دولت و طالبان افغان مساعد گردانید. هیچ طرف درگیر منطقاً مستقل بوده نمیتواند و مستقل نیست. قشر سیاسی میدانند که: هیچ دوستی و دشمنی در سیاست دایمی نیست، آنچه دایم، پیوسته و هدفمند تعقیب می‌گردد؛ منافع علیاء کشورها میباشد.

به باورم راه حل مطلوب و عاقلانه جز جمع شدن در محور و چتر منافع وحدت برادرانه، دور از دغدغه های، تشکیلاتی، قومی، سمتی، زبانی، مذهبی برای اتحاد مجدد افغانستان کثیر القومی، کثیر الزبانی، کثیر المذهبی؛ بدیل بهتر وجود ندارد. کاملاً واضح و آشکار میباشد که حل قضیه افغانستان، بدون همکاری قدرت های منطقه یی و جهانی ممکن و مقدور نمی باشد. بناءً از همه شخصیت های مستقل ملی، سیاسی، خبیر و باورمند به صلح، توقع می رود که منحیث فرزندان صدیق مسئول، مدیون و وارثان کشور دور از تعصب، طمع و توقع برای وفاق ملی از هیچ نوع همیاری و همکاری با ملتِ دردمند دریغ نوزید.

پیشنهاد مینمایم، برای تداوم آتش بس، ایجاد زمینه تفاهم منطقه یی، عدم مداخله کشورهای همسایه و کشورهای رقیب، گرفتن تعهد و تضمین از شورای امنیت سازمان ملل متحد با همکاری امریکا، زمینه خروج آبرومندانۀ ائتلاف نظامی را با تداوم همکاری های اقتصادی امریکا و کشورهای دوست تعویض کرد. سوم سرطان ۱۳۹۷ و ما علینا الالبلاغ!

